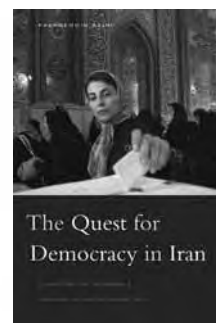
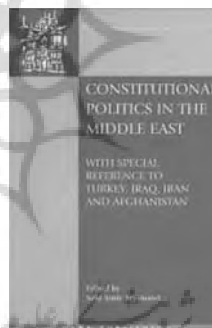


# یک قرن قانون خواه و آزاده طلب

● مرضیه سلیمانی



■ **The Quest for Democracy in Iran: A century of struggle against Authoritarian Rule**

■ **Author :fakherdinAzimi**

■ **Publisher : Harvard university press/ 2008**

■ **ISBN:0674027787/ 512 Pages**

■ **Constitutional Politics in the Middle East**

■ **Editor : said Amir Arjomand**

■ **Publisher: Hart Publishing /2008**

■ **ISBN: 9781841137742 - / 224pages**

اگر قانون اساسی را به مفهوم تعمیم یافته و کلی آن، به عنوان بنیان و انسجام و استخوان بندی دولت - کشور در نظر بگیریم و کلیه قواعدی را که به صورت قانون یا مقررات یا عرف یا رسم و عادت در ارتباط با دولت و سیاست در جامعه ای وجود داشته باشد، از مقوله ی قانون اساسی بپنداریم؛ یعنی بیشتر به محتوای قواعد توجه کنیم تا به شکل آن، مفهوم مادی قانون اساسی را بیان کرده ایم. با این تعبیر، در همه ی جوامع تکامل یافته که مراحل آغازین تحول خود را پشت سر گذارده و به درجه ی بلوغ و انسجام کشوری رسیده باشند، قانون اساسی به مفهوم مادی آن وجود دارد. حال چه متن مصوبی - زیر عنوان قانون اساسی - باشد یا این که مقررات و قوانین پراکنده ای، به صورت عادی یا عرفی، مفهوم قانون اساسی را القا کند.

اما قانون اساسی شکلی، به یک سلسله اصول و قواعد مدون و مرتبی گفته می شود که زیر لوای یک متن رسمی و تشریفاتی، به وسیله ی مقامات صلاحیت دار به تصویب رسیده باشد و بر افراد و تشکیلات سیاسی و متصدیان امور و هم چنین بر قوانین عادی، به عنوان «قانون برتر» حکم براند. در این جا قانون اساسی دارای کلیه ی خصایص یک عمل هنجاری است که توسط قدرت مؤسس به تصویب می رسد و همه چیز باید براساس آن استوار باشد!

اما منظور از حاکمیت قانون چیست؟ برخی گفته اند منظور از حکومت قانون<sup>۲</sup> این است که مقامات و مأموران حکومت، اقتداراتی را که به موجب قانون به آنان تفویض گردیده، فقط هنگامی به مورد اجرا گذارند که قانون اجازه داده است. روش اجرای قوانینی که با جان، مال و آزادی افراد ارتباط دارد، باید صریح، واضح و با بیانی ساده بوده، به مردم تفهیم شود.

در نظام سیاسی ایران تا زمان مشروطه، مجلس قانون گذاری وجود نداشت. در حقیقت، سنت قانون اساسی و قانون گذاری، در معنای تأسیس و نهادینه کردن تشکیلاتی که بتواند قانون را در جامعه نهادینه و یا تضمین کند، در ایران با انقلاب مشروطه آغاز شد. کمی پیش تر یعنی در سال ۱۲۳۶ شمسی، در اصلاحات دوره ی ناصری، طرحی به عنوان قانون اساسی یا «دفتر قانون» توسط میرزا ملکم خان به صورت مکتوب ارائه شده بود و اقداماتی نیز توسط سپهسالار و برخی رجال سیاسی و فرهنگی پیشنهاد شد. نخستین مجلس شورای قانون گذاری ایران با خطاب مظفرالدین شاه در ۱۸ شعبان ۱۳۳۴ ه. ق آغاز به کار کرد و بر اساس اولین نظام نامه ی انتخاباتی، کسانی حق رأی داشتند که صاحب ملک بوده و ارزش مالی ملک

کتاب عظیمی، پی‌گیری مقاطعی خاص در تاریخ ایران پس از سال ۱۹۰۵ است. تحقق ایده‌آل‌های مشروطه، نادیده گرفتن یا همساز کردن آن‌ها و نمایش گونه‌ای «فرهنگ مواجهه»

## و آزادس طلبه

تأسیس مجلس گردید، اما در عمل ناکام ماند.<sup>۷</sup> برخی متقابلاً معتقدند که تجدد خواهی و مطالبه‌ی تغییرات نهادهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در ایران، به صورت یک فرایند غیر خطی و بطئی، طی دو قرن گذشته جریان داشته و نه تنها تلاش نافرجامی نبوده بلکه دستاوردهایی نسبی نیز بر جای گذاشته است.<sup>۸</sup> گاه آن را رویدادی کم‌اهمیت و گذرا قلمداد می‌کنند و گاه آن را با سلطنت خواهی مترادف می‌گیرند. زمانی آن را نقطه‌ی عطفی در تاریخ ایران می‌دانند و وقتی دیگر آن را در مقابل سلطنت قرار می‌دهند. اما هر چه هست، شکل‌گیری نهضت مشروطه و، متعاقب آن، روند قانون‌گذاری در ایران از چنان اهمیتی برخوردار است که حجم زیادی از آثار تولیدی در حوزه‌ی تاریخ معاصر را به خود اختصاص داده و تنوع و گستردگی آن چنان است که تقریباً طیفی از نقطه‌ی صفر نمودار (مخالف و بد بین) تا نقطه‌ی صد (ستایش گر و خوش‌بین) را چه در مقالات و چه کتاب‌ها در بر می‌گیرد.



نمایندگان اولین دوره مجلس شورای ملی در مقابل عمارت بهارستان

آن‌ها حداقل هزار تومان باشند. قانون اساسی با سرعت تهیه شد و یحیی دولت‌آبادی که در این جریان شرکت داشته نوشته است که نظام نامه‌ی ملل دیگر را ترجمه و تعدیل کرده و برای عده‌ای از رجال و مردمی که دعوت کرده بودند ارسال کرده که اغلب با عدم توافق رو به رو شده و به اشکال و مشکل بر می‌خورد؛ به‌خصوص که عده‌ای از روحانیون با این قانون مخالف بودند. بالاخره با وساطت آیت الله بهبهانی و طباطبایی، قانونی که تهیه شده بود با تعدیل‌هایی قبول شده و در جلسه‌ی عمومی متشکل از روحانیون، رجال، اعیان، تجار و کسبه مورد تأیید قرار گرفته و شاه نیز بعد از تردید بسیار آن را امضا می‌کند.

اما مدت‌ها طول کشید تا جلسات مجلس ترتیبی یافت و نمایندگان وظایف خود و شیوه‌ی اداره امور را آموختند. مثلاً بحث می‌شد که آیا باید جای معینی برای وکلا در نظر گرفته شود و یا این که لازم است کسی که نطق می‌کند بر روی قالیچه‌ی خاصی بنشیند؟ تماشاجی‌ها نیز اغلب در گفتگوها دخالت کرده و عقیده‌ی خود را بیان می‌کردند و یا نظر آن‌ها پرسیده می‌شد، به طوری که سعد الدوله پیشنهاد کرد برای جلوگیری از شلوغی مجلس، برای وکلا چند صندلی در نظر بگیرند و تماشاجی‌ها پشت صندلی‌ها بنشینند.<sup>۹</sup>

قانون اساسی که به امضاء رسید، تازه اول جدال مجلس و دولت بود بر سر یک رشته مسائل حقوقی و سیاسی که پی در پی به میان کشیده شدند؛ مسئولیت دولت در برابر مجلس ملی، اختیار مجلس در عزل هیئت دولت؛ رعایت اعتماد مجلس در انتخاب هیئت دولت؛ رابطه‌ی مجلس با دستگاه قضایی و... اما ترتیب تاریخی این موضوعات اتفاقی نیست بلکه نشان دهنده‌ی مراحل تحول تکاملی مجلس است در جهت افزایش قدرت پارلمانی. مثلاً در سه قضیه‌ی اول، مجلس وجهه‌ی نظر متشکلی داشت و هدف حرکتش دقیقاً مشخص بود. در قضیه‌ی چهارم، تشتت آراء فراوان بود و رأی حاکم مبنی بود بر جلوگیری از دخل و تصرف قوه‌ی قانون‌گذاری در دستگاه قضایی. در عین حال این معنی فی‌الجمله مورد توجه واقع گردید که مجلس اول باید دارای اختیاراتی باشد بیشتر از مجالس عادی قانون‌گذاری. ماورای همه‌ی آن مسائل، «بتکار و اقدام مجلس در نوشتن متمم قانون اساسی، بدان مجلس مقامی استثنایی بخشید».

پیرامون سیر تحول قانون‌گذاری در ایران سخن بسیار است و مورخان و سیاست‌مداران هر یک، به فراخور حال و مقام، از زاویه‌ای آن را مورد بررسی قرار داده‌اند. عده‌ای آن را موضوعی بسیار مهم و دلکش خوانده‌اند.<sup>۱۰</sup> دیگران می‌گویند انقلاب مشروطه از نظر تئوریک موجب تهیه‌ی قانون اساسی و

شده است و دیگری بحران دموکراسی در ایران که با ترجمه‌ی عبدالرضا هوشنگ مهدوی و بیژن نودری توسط نشر البرز در تهران به چاپ رسیده. به جز سه اثر ذکر شده، دیگر آثار عظیمی عبارتند از:

- بحران دموکراسی: از تبعید رضا شاه تا سقوط مصدق (۲۰۰۹)  
- در جستجوی لذت: داروها و مواد محرک در تاریخ ایران (مقاله/ ۲۰۰۷)

- فداییان اسلام (مدخلی در دایره‌ی المعارف اسلام و مسلمین / ۲۰۰۴)  
- محمد مصدق (مدخلی در دایره‌ی المعارف مک میلان / ۲۰۰۴)  
- ایرانی (مدخلی در دایره‌ی المعارف اسلام و مسلمین / ۲۰۰۴)  
از میان مقاله‌ها و نقدهای او، نقدی که بر کتاب جمهوری سوسیالیستی شورایی در ایران، نوشته‌ی خسرو شاکری، نگاشته و نیز مطلبی که در خصوص کتاب صد سال انقلاب، ویراسته‌ی جان فوران، به تحریر درآورده حاوی نکته‌های بدیع و درس‌آموزی هستند.<sup>۱۰</sup>

کتاب تازه‌ی عظیمی، نهادها و ساختارهای سیاسی مشروطه را مورد بررسی قرار داده و تناقضات بنیادین آن با «سلطنت مشروطه» را باز می‌شمارد. او اساس کار خویش را بر طرح یک پرسش استوار می‌سازد: چرا مشروطیت یا جنبش دموکراسی خواهی در ایران فراگیر و غالب نشد و جامعه‌ی ایرانی از خودکامگی نرسد؟ پاسخ هر چه که باشد، حکایت از آن دارد که تلاش برای تحقق آرمان‌های مشروطه در آن دوران متوقف نماند.

این تلاش، آن گونه که راجر اون<sup>۱۱</sup> - استاد دانشگاه هاروارد - در نقد کتاب عظیمی می‌گوید: برای ایران، خاورمیانه و کل جهان از اهمیت بسیاری برخوردار است. در این خصوص نشریه *Nation* می‌نویسد:

«کتاب عظیمی، پی‌گیری مقطعی خاص در تاریخ ایران پس از سال ۱۹۰۵ است. تحقق ایده‌آل‌های مشروطه، نادیده گرفتن یا هم‌ساز کردن آن‌ها و نمایش گونه‌ای «فرهنگ مواجهه». جست‌وجو برای دموکراسی، همان چیزی که شرق‌شناسان فراموش کرده‌اند در یک سرزمین اسلامی، دوره‌هایی از فعالیت‌های پر آشوب پارلمانی صرفاً آشفتگی اجتماعی و سیاسی نیست.»

نویسنده عنوان می‌کند، وعده‌ها و آمال قانون مشروطه در دهه ۱۹۲۰ و با ظهور سلسله‌ی پهلوی نیمه‌کاره رها شد. رضا شاه اگر چه خویشتن را حاکم و پادشاه مشروطه می‌نامید و مرتباً وانمود می‌کرد که به اصول مشروطه پای‌بند است، اما هر گونه چالشی را با مشت آهنین پاسخ می‌گفت: «حذفت می‌کنم». سرشت حکومت رضا شاه استبدادی بود و او دائماً بر سر کارمندان و صاحب منصبان خویش فریاد می‌زد.



نمایندگان نخستین دوره مجلس شورای ملی

یکی از تازه‌ترین آثاری که به تازگی (آوریل ۲۰۰۸) در همین زمینه به تحریر درآمده و مورد استقبال جامعه‌ی آکادمیک و متخصصان این حوزه نیز قرار گرفته کتابی است با نام جست‌وجو برای دموکراسی در ایران که با نام فرعی یک صد سال مبارزه بر علیه حکومت خودکامه توسط فخرالدین عظیمی نوشته شده و از سوی انتشارات دانشگاه هاروارد به چاپ رسیده است.

فخرالدین عظیمی در سال ۱۳۳۲ در تهران به دنیا آمد و پس از فراغت از تحصیل در دانشگاه تهران، جهت تحصیلات تکمیلی به لندن رفت تا این که در سال ۱۹۸۵ از دانشگاه اکسفورد دکترای تاریخ گرفت و هم‌اکنون در دانشگاه کانکتیکت آمریکا در رشته‌ی تاریخ تدریس می‌کند. از جمله آثار عظیمی که در ایران ترجمه شده و به چاپ رسیده است، یکی حاکمیت ملی و دشمنان آن است که با عنوان فرعی پژوهش در کارنامه‌ی مخالفان بومی و بیگانه مصدق، بر پایه‌ی تازه‌ترین سندها از سوی نشر نگاره آفتاب منتشر

**وعده‌ها و آمال قانون مشروطه در دهه ۱۹۲۰ و با ظهور سلسله‌ی پهلوی نیمه‌کاره رها شد. رضا شاه اگر چه خویشتن را حاکم و پادشاه مشروطه می‌نامید و مرتباً وانمود می‌کرد که به اصول مشروطه پای‌بند است، اما هر گونه چالشی را با مشت آهنین پاسخ می‌گفت**

و آزادی طلبی

## ترکیه به لحاظ اجتماعی کشوری دموکراتیک، اما در قانون اساسی، فاقد هرگونه اصل و مشروعیت دموکراتیک است. فوزی با پیش کشیدن تاریخ قانون گذاری در ترکیه به این نتیجه می رسد که قانون ۱۹۸۲ ترکیه طی یک فرایند غیردموکراتیک به تصویب رسیده است

در باره‌ی ثبات ایران تردیده جدی نشان دادند در حالی که برخی از مقامات انگلیسی به آینده رژیم اطمینان چندانی نداشتند و جالب این که یکی از مقامات وزارت امور خارجه بریتانیا، پنج سال پیش از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، نگرانی خود از بروز انقلاب در ایران را عنوان کرده و گفته بود مبادا تانک‌هایی که قرار است پنج سال بعد یعنی در سال ۱۳۵۸، به ایران تحویل داده شود؛ به دست رژیم برآمده از انقلاب بیفتد.

«فرهنگ مواجهه» در فصلی جداگانه مورد تحلیل قرار گرفته است. منازعات و همگامی‌های ایدئولوژیکی و پیدایش آرمان‌گرایی انقلابی از مضامین مندرج در این فصل است. به عقیده عظیمی انقلاب سال ۱۳۵۷ آرمان‌های برآمده از انقلاب مشروطه را عمیق‌تر ساخت.

در فصول مربوط به دوران متأخرتر، حکومت اسلامی و جنگ با عراق مورد بحث و نظر قرار می‌گیرد.

جست‌وجوی دموکراسی در ایران ۵۱۲ صفحه است و نویسنده آن را در سه فصل اصلی و ۱۲ بخش فرعی تنظیم کرده است. پس از یک دیباچه، یک راهنمای تلفظ واژگان و یک درآمد با عنوان «در جستجوی یک تعهد ملی»، فصل اول کتاب آغاز می‌شود: «تشکیل یک جامعه‌ی ملی (۱۹۵۳-۱۹۰۶)». این فصل حاوی سه بخش فرعی است که به ترتیب عبارتند از: آزمون و خطای مشروطه، حکومت استبدادی پهلوی‌ها، احیای سیاست‌های پارلمانی. فصل دوم «برتری خودکامه: تثبیت و زوال (۱۹۷۹-۱۹۵۳)» نام دارد و شش بخش فرعی را در خود جای داده است: خط سیرهای سلطنت طلبی، انقلاب: وقایع‌نامه یک انفجار درونی، بنای شکوهمند و استقرار حکومت سلطنتی، قرابت‌های انتخابی: علایق سلطنتی غرب و حکومت پادشاهی خودکامه، معماری هژمونی سلطنت طلب، فرهنگ مواجهه.

«غیبت حکومت مردم سالار» عنوان فصل سوم کتاب است که با سه بخش مندرج در آن، در حقیقت فصل پایانی کتاب را تشکیل می‌دهد. فرهنگ امور سیاسی: حضور و غیبت گذشته، مخمصه‌ها و چشم اندازها، عناوین این بخش‌ها هستند. مؤخره‌ی کتاب، «انعطاف پذیری مدرنیته» نام گرفته است، و کوته‌نوشت‌ها، یادداشت‌ها و نمایه‌ی صفحات پایانی کتاب را به خود اختصاص داده‌اند.

در اهمیت این کتاب تنها می‌توان به سخنان و اشارات اساتید حواله داد. چنان که ویلیام راجر لوپس - استاد دانشگاه تگزاس و رئیس پیشین انجمن مورخان آمریکا - آن را اثری بسیار دانشورانه دانسته که آکنده از دل‌بستگی به مردم ایران و حاوی ارزیابی‌های موشکافانه و منصفانه است. هم‌چنین ال.جی.الدرنیک - منتقد مجله‌ی چوپس - نوع انتخاب منابع پژوهش را

در سال ۱۹۴۱، متفقین از ترس از دست دادن کنترل این منطقه‌ی نفت خیز، رضاشاه را به کناره‌گیری واداشتند، اما به محمدرضا اجازه دادند بر جای پدر تکیه زند. شاه جدید علی‌رغم قولی که هنگام ادای سوگند در مجلس شورای ملی، مبنی بر وفادار ماندن به قانون مشروطیت داده بود، از هیچ فرصتی برای تضعیف و متزلزل ساختن آن دریغ نکرد.

کودتای ۱۹۵۳ که با پشتیبانی مشترک آمریکا و انگلیس به وقوع پیوست و دست محمد مصدق را از حکومت کوتاه کرد، در حقیقت ضربه‌ای بود که به مشروطه‌خواهان وارد آمد. سیاست‌های سرکوب‌گرانه‌ی شاه و سرسپردگی به ایالات متحده، هم‌هموردان سکولار را رادیکال کرد و هم مخالفان دینی را به مخالفت انقلابی کشاند. بدین ترتیب انقلاب ۱۹۷۹ شکل گرفت. عظیمی متذکر می‌شود هرگز نباید فراموش کنیم که انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ در ایران، فی‌الواقع ترجمان آرزوی دیرین مردم این سرزمین یعنی دستیابی به حکومت مردم سالار بود. به عقیده او «هنگامی می‌توان از «انقلاب» سخن به میان آورد که شمار فزاینده‌ای از مردم یک سرزمین براساس ناخشنودی‌ها و شکایت‌های اوج گرفته و بی‌پاسخ، با الهام از اندیشه‌های برانگیزاننده به میدان کارزار رو می‌آورند. باور بنیادی آن‌ها این است که همیاری می‌تواند صاحبان بی‌اعتبار قدرت را از اریکه‌ی اقتدار فروافکند و امید کوبنده‌ی آن‌ها این است که می‌توان طرحی نو در افکند و روزگاری بس بهتر رادر پیش داشت»<sup>۱۲</sup>. بر این اساس، طی این صد سال، مردم ایران دو انقلاب را تجربه کرده و شورش‌های پی در پی و بحران‌های متعددی را نیز در حاشیه‌ی تاریخ خود وانهاده‌اند.

در فصول بعدی، بازگشت مشروطیت پس از شهریور ۱۳۲۰ و ناکامی مصدق پس از کودتای مرداد ۱۳۳۲ مورد بررسی قرار می‌گیرد. اکنون نوبت استقرار سلطه‌ی محمدرضا شاه است و عواملی که این استبداد طلبی را هموار کردند؛ از سیاست‌گران فرصت طلب و نوکرصفت گرفته تا ساواک و ارتش! تحول رفتاری کسانی مثل اسدالله علم و امیرعباس هویدا و تحلیل‌های جدید پیرامون سیاست‌های آمریکا و بریتانیا در ایران - که با تدابیر خاص سفیران این کشورها، نهایتاً به خودکامه‌تر شدن شاه و تثبیت حکومت استبدادی یاری رساندند - از جمله بخش‌های جالب کتاب است. در این میان، عظیمی معتقد است آمریکا نقشی اساسی ایفا کرده و مثلاً به قضیه‌ی مصونیت کارگزاران نظامی آمریکا در سال ۱۳۴۳، اصرار آمریکا بر آن و پیامدهای وخیم این کاپیتولاسیون اشاره می‌کند. هم‌چنین او معتقد است بریتانیا پس از کودتای مرداد ۱۳۳۲ نیز هم‌چنان در سیاست داخلی ایران نفوذ داشت. او به گواهی اسناد می‌گوید: آمریکایی‌ها در کمتر موردی

بارنت آر.رابین، مسئله‌ی تضارب آراء گروه‌های قومی در افغانستان، فرایند قانون‌گذاری در آن کشور، نقش اسلام و حقوق بشر در انتخابات ریاست جمهوری افغانستان را بررسی می‌کند و معتقد است اغلب اختلافات قومی در قانون اساسی فعلی افغانستان حل نشده باقی مانده‌اند

## و آزاده طلبی

عدالت در یک فرمول خاص خلاصه می‌شود: هیچ حکومتی بدون انسان‌ها وجود نخواهد داشت، هیچ انسانی بدون پول، هیچ پولی بدون رفاه و هیچ رفاهی بدون عدالت و حکومت خوب (ص ۱). دارلینگ سخن خود را از تاریخ خاورمیانه در روزگار خلفای امپراطوری اسلامی آغاز کرده و به این نتیجه می‌رسد که با آغاز قرن سیزده، مفهوم حلقه به طور کامل در مفهوم حکومت اسلامی ادغام شد. بنابراین تصویر مدرن در خصوص حاکمان مستبد و دهقانان ستمدیده باید مورد حک و اصلاح قرار گیرد چرا که حاکمان قرون وسطی، خود از وابستگی خویش به دهقانان و توانایی تولید آنان آگاه بودند. (ص ۱۹).

مقاله دوم «اسلام و قانون گذاری از قرن نهم بدین سو» نام دارد و با عنوان فرعی «اهمیت و ویژگی‌های ایران» ۳۰ صفحه را به خود اختصاص داده است. در این قسمت، امیر ارجمند فهم اسلام و رابطه‌ی آن با قانون و قانون گذاری را با فهم رایج آن در آغاز قرن بیستم، به محک مقایسه می‌گذارد. در همین ارتباط، مفهوم شریعت و تأثیر آن بر قانون گذاری اسلامی و نیز قدرت‌ها و محدودیت‌های آن در اواخر قرن بیستم مورد بحث قرار گرفته و به‌ویژه بر فقه جعفری و نقش مراجع تقلید تأکید شده است. در پایان، نویسنده‌ی تجربه‌ی قانون گذاری در ایران و افغانستان را با یکدیگر مقایسه کرده است. این مقاله از نظر بررسی توسعه‌ی قانون گذاری در ایران جالب است اما در خصوص مقایسه آن با قوانین افغانستان - مثلاً در بخش هماهنگی قضایی قوانین افغان با فقه اسلامی - کاستی‌هایی دارد.

«چانه‌زنی و وضع قوانین: علایق خصوصی و عمومی در تجربه‌ی قانون گذاری ایران، عراق و افغانستان» مقاله‌ی سوم کتاب است که به قلم ناتان. جی. بروان<sup>۱۵</sup> تألیف شده. او به صراحت اعلام می‌کند که در کشورهای پیش گفته، نه مفهوم لیبرال قانون گذاری و نه سنت‌های محلی، هیچ کدام شالوده‌ای نظری به دست نمی‌دهند که به واسطه آن هیجانات و تصادم علایق بین گروه‌های مختلف اتماع به‌فهم درآید؛ هیجاناتی که در طی دوره‌ی قانون گذاری در کشورهای خاورمیانه به‌وقوع پیوسته است. بروان در این مقاله نشان می‌دهد که تئوری‌های قانون گذاران لیبرال نه تنها با سنت‌های عقلانی خاورمیانه بیگانه‌اند، بلکه در هم‌ساز کردن علایق گروه‌های مختلف درگیر در فرایند قانون گذاری و ضرورت چانه‌زنی فی‌مابین آن‌ها نیز با شکست مواجه شده‌اند. سپس، فراگیری و عمومیت این فرایند را به عنوان عوامل بسیار مهم جهت دستیابی به یک قانون اساسی مشروع، مورد شناسایی قرار می‌دهد (ص ۷۳).

آن الیزابت مایر، نویسنده‌ی مقاله‌ی چهارم کتاب است که «عملکردهای

ستوده و نشریه‌ی فایننشال تایمز قدرت این کتاب در بازاریابی و احیای اهمیت انقلاب مشروطه را بی‌نظیر خوانده است.

پایان بخش این جستار، تحلیلی است که فخرالدین عظیمی پیرامون پدیده «انقلاب» به دست می‌دهد: «با این که کارنامه بیشتر انقلاب‌ها خوش‌بینی ساده‌دلانه را بر نمی‌تابد، تداوم دل‌بستگی به اسطوره انقلاب از وجوه اصلی تاریخ دو سده گذشته جهان بوده است. این که چرا جامعه‌های خاصی دستخوش انقلاب می‌شوند و آیا سبب‌های انقلاب‌ها را باید در شرایط ویژه یک سرزمین جست یا انقلاب‌ها سبب‌ها والگوه‌های مشابهی دارند که از حوزه سرزمین‌ها و فرهنگ‌های مشخص فراتر می‌روند، موضوعی است که بسیاری را به خود مشغول کرده است. در این میان، کمتر پژوهنده‌ای می‌تواند به صرف آشنایی با نظریات گوناگون درباره‌ی علل انقلاب‌ها، یا به پشتوانه‌ی مطالعه تطبیقی کلی آن‌ها و بدون بررسی موشکافانه در ریشه‌ها و زمینه‌ی تاریخی و فرهنگی انقلاب و جنبش‌ها در یک کشور خاص، پژوهش پربار و ژرف‌نگرانه‌ای فراهم آورد»

سیاست‌های قانون گذاری در خاورمیانه: با رجاعات ویژه به ترکیه، عراق، ایران و افغانستان عنوان کتابی است حاوی هشت بخش که با ویرایش سعید امیر ارجمند از سوی انتشارات هارت پابلیشینگ در سال ۲۰۰۸ و در ۲۲۴ صفحه به چاپ رسیده است. پس از یک صفحه تشکر و قدردانی و یک بخش کوتاه ویژه معرفی نویسندگان فصول، کتاب با مقدمه ویراستار آغاز می‌گردد. چهار مقاله نخست، در حقیقت تحلیلی عمومی و تطبیقی از سیاست‌های قانون گذاری در چهار کشور پیش گفته به دست می‌دهند و چهار مقاله پایانی مطالعه موردی در مورد مسائل قانون گذاری در خود کشورهای مورد بحث هستند. نویسندگان عمدتاً از دانشمندان و متخصصان حوزه‌ی علوم اجتماعی و علوم سیاسی به شمار می‌روند؛ لیندا دارلینگ<sup>۱۲</sup> مورخ است و آن الیزابت مایر<sup>۱۴</sup> تنها حقوقدان این جمع به‌شمار می‌رود. و می‌توان گفت برجسته‌ترین مزیت این کتاب نسبت به سایر آثار مشابه این است که نخستین کتابی است که با روش تطبیقی، توسعه‌ی قانون گذاری در مجموعه وسیع و متنوعی از کشورهای اسلامی خاورمیانه را مورد نظر قرار داده و ویژگی‌ها، شباهت‌ها و مشکلات نظام‌های متفاوت حقوقی در آن‌ها را و می‌کاود.

نخستین مقاله را لیندا دارلینگ نوشته است: «امپراطوری‌های اسلامی، امپراطور عثمانی و حلقه عدالت». این بخش ۲۲ صفحه است و برحلقه‌ی معروف عدالت متمرکز می‌شود؛ عمده‌ترین آموزه‌ی مشروعیت بخشیدن به حکومت در خاورمیانه از روزگاران پیش‌اسلامی بدین سو. مفهوم حلقه‌ی

خاص اسلام و حقوق بشر» نام گرفته و ۲۲ صفحه است. بررسی رابطه‌ی میان قوانین اسلامی و حقوق بشر در کشورهای خاورمیانه و تنش میان طرفداران حقوق بشر و معتقدان به حقوق بشر اسلامی در این بخش مورد توجه قرار گرفته است. او با مطالعه‌ی موردی کشور مراکش آغاز کرده (ص ۸۴) و با تحلیل وضعیت یمن و سومالی پیش می‌رود. سپس در همین مقطع قوانین سوسیالیست پیشا اسلامی در یمن و سومالی را با قوانین اسلامی جدید - که عمیقاً بر شریعت و نقش اسلام تأکید می‌کنند - مورد مقایسه قرار می‌دهد. به نظر ما، مورد افغانستان و عراق به کلی متفاوت است. در قانون اساسی این دو کشور قوانین بین المللی و حقوق بشر اسلامی با یکدیگر در تضادند.

مقاله پنجم «محافظ رژیم: دادگاه قانونی ترکیه در چشم انداز تطبیقی» نام دارد، ۲۴ صفحه‌ی است و اثر طبع هوتن شام بیاتی. ویژگی‌های دادگاه قانونی ترکیه با اشاره به نهادهای مرتبط در دیگر کشورها، محور اصلی این مقاله است. نویسنده عنوان می‌کند که قانون اساسی ۱۹۸۲ ترکیه به خلق سیستم «محافظان» منجر شد. این محافظان از نهادهای منتخب جدا هستند و نقش اصلی آن‌ها حفظ ایدئولوژی حاکم نخبگان کمالیست است. او با برشمردن ۱۰ ویژگی‌های دادگاه قانونی ترکیه و آرایه‌ی تاریخی‌چیزی مختصری از آن، می‌گوید که این دادگاه بیشتر شبیه یک مجلس ثانوی عمل می‌کند (ص ۱۰۶) و بیشتر با حفظ حقوق دولت، در مقابل نمایندگان منتخب مردم، سرو کار دارد تا حفظ حقوق فردی شهروندان (ص ۱۰۹). محمت فوزی بیلجین<sup>۱۶</sup> مقاله‌ی ششم کتاب را در ۲۴ صفحه تألیف کرده: «قانون اساسی، مشروعیت و دموکراسی در ترکیه».

فوزی در این مقاله عنوان می‌کند که ترکیه به لحاظ اجتماعی کشوری دموکراتیک، اما در قانون اساسی، فاقد هر گونه اصل و مشروعیت دموکراتیک است. او نیز با پیش کشیدن تاریخ قانون گذاری در ترکیه به این نتیجه می‌رسد که قانون ۱۹۸۲ ترکیه طی یک فرایند غیر دموکراتیک به تصویب رسیده است.

هفتمین مقاله یعنی «برساختن یک قانون اساسی برای افغانستان» ۱۶ صفحه است و نویسنده‌ی آن، بارت آرتور،<sup>۱۷</sup> مسئله‌ی تضارب آراء گروه‌های قومی در افغانستان و در طی فرایند قانون گذاری در آن کشور را شرح می‌دهد. هم‌چنین نقش اسلام و حقوق بشر در انتخابات ریاست جمهوری افغانستان را مورد بررسی قرار داده و عنوان می‌کند که اغلب اختلافات قومی در قانون اساسی فعلی افغانستان حل نشده باقی مانده‌اند. «عراق: از قانون اساسی موقت تا قانون اساسی دائم» عنوان بخش پایانی کتاب است که اندرو آراتو<sup>۱۸</sup> با تکیه بر سه عنصر اصلی به تألیف آن پرداخته: اول - حضور نیروهای آمریکایی و وضع قوانین با توجه به ضرب الاجل تعیین شده جهت خروج نیروها. دوم - وضعیت اهل تسنن و مذاکرات و چانه زنی‌ها با آن‌ها. سوم - سیاست‌های آمریکا در انتخابات عراق و به‌ویژه انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۰۵.

سعید امیر ارجمند استاد جامعه‌شناسی در دانشگاه نیویورک و استاد علوم اسلامی در مدرسه‌ی الهیات دانشگاه شیکاگو است. هم‌چنین ریاست انجمن و نشریه‌ی مطالعات ایرانی، عضویت در کمیته‌ی جامعه‌شناسی جهان (در انجمن جامعه‌شناسی آمریکا) و دریافت جوایز پر شمار از جمله جایزه‌ی علوم علمی برای طرح «قانون مشروطه و مدرنیزاسیون سیاسی در کشورهای

خاورمیانه» در کارنامه‌ی کاری وی ثبت شده است. از جمله آثار و مقالات او که در ایران چاپ و انتشار یافته می‌توان به کتاب پژوهش در جوامع فارسی زبان اشاره کرد که توسط انتشارات کویر در ۳۲۰ ص به چاپ رسیده. هم‌چنین برخی از مقالات وی با عناوین زیر به زبان فارسی در دسترس خوانندگان قرار گرفته است:

- مدینه‌های تمثیلی (ترجمه‌ی /هانری کرسن)، مجله‌ی تحقیقات اسلامی، سال سیزدهم، ش ۲ و ۱
- انجمن مطالعات جوامع فارسی زبان، بخارا، ش ۱۶
- غرزدگی، ایران نامه، ش ۵
- مقدمه‌ای بر تشیع، تاریخچه و عقیده‌ی شیعه‌ی دوازده امامی، ایران نامه، ش ۲۱
- مروری بر حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران، ایران نامه، ش ۷۰ و البته از میان دیگر آثار او عناوین زیر حایز اهمیت اند:
- مشروطیت و نوسازی سیاسی (ویرایش و مقدمه) / ۲۰۰۷
- بازاندیشی در تحلیل تمدنی (ویرایش) / ۲۰۰۴
- و چوه سیاسی دین (ویرایش و مقدمه) / ۱۹۹۳

#### پی‌نوشت:

۱. حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، دکتر سید ابوالفضل قاضی (شریعت پناهی)، نشر میزان، تهران: چاپ دهم ۱۳۸۳، ص ۱۰۳.
2. The Rule of law
۳. حقوق اساسی: حکومت، کتر جعفر بوشهری، شرکت سهامی انتشار، تهران: چاپ اول ۱۳۸۵، ص ۳۸.
۴. مجلس و انتخابات (از مشروطه تا پایان قاجاریه)، منصوره اتحادیه (نظام مافی)، نشر تاریخ ایران، تهران: چاپ اول ۱۳۷۵، ص ۸۸.
۵. ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران فریدون آدمیت، انتشارات پیام، تهران: ۲۵۳۵، ص ۳۹۳.
۶. فریدون آدمیت در: ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، ص ۳۸۴.
۷. ایرج شکریان در: «نگاهی به تاریخچه مجلس در ایران»، ماهنامه‌ی شاهد جوان شماره ۳۴۵.
۸. مقصود فراست خواه در: گفت‌وگو با رزونامه حیات نو، ۸۰/۱۰/۲۳.
۹. مشخصات کامل آن اثر چنین است:
- 10- John foran, ed. Acentury of Revolution: social Movements in Iran, Minneapdis, university of Minnesota press, 1994
۱۰. متن کامل این مقاله در سایت بنیاد مطالعات ایرانیان موجود است.
11. Roger owen , Harvard university
۱۲. «صد سال تکاپو، در آرزوی بهروزی، در جستجوی آرامش» نقد فخرالدین عظیمی بر کتاب ویراسته جان فوران، ایران نامه سال چهاردهم، ش ۱.
13. linda Darling
14. Ann Elizabeth Mayer
15. Nathan J Brown
16. Mehmet fevzi Bilgin
17. Barnett R Rubin
18. Andrew Arato